



ارائه مدل جامع بعد اقتصادی کیفیت زندگی به روش نظریه پردازی زمینه بنیان

فاطمه قائمی^۱

محمد حسنی^۲

محمد حامد خان محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

چکیده

کیفیت زندگی مفهومی چندجانبه و چندبعدی است. بعد اقتصادی کیفیت زندگی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد که تبیین این عوامل، هدف پژوهش حاضر است. روش پژوهش نظریه پردازی زمینه بنیان می‌باشد و انتخاب نمونه بر مبنای رویکرد گلوله برفی در چهار حوزه تخصصی صورت پذیرفته است. نتایج حاصل از مدل پارادیمی پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های فقدان برنامه‌ریزی برای شرایط اقتصادی، نبود زیرساخت‌ها و امکانات لازم جهت استفاده و تغییرات سریع اقتصادی و تحت تأثیر قرار دادن زندگی به عنوان شرایط علی، سلامت جسمانی، جنسیت، سبک زندگی و شغل و محیط کاری فرد به عنوان عوامل مداخله‌گر، خصوصیات فرهنگی جامعه، مادی‌گرایی، مذهب و شیوه زندگی، ثبات در شرایط جامعه و عدم تغییر در سیاست‌های کاری سازمان‌های فعال در جامعه به عنوان بستر حاکم، نبود شفافیت و امنیت آتی و نبود احساس عدالت اجتماعی به عنوان پیامدها و ویژگی‌ها و توانایی‌ها و احساسات فردی، شرایط محیطی و ساختار تقسیم منابع جامعه به عنوان راهبردها، بعد اقتصادی کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، بعد اقتصادی، نظریه پردازی زمینه بنیان.

طبقه بندی JEL: D60, D63

۱- گروه حسابداری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. f_ghaemy@yahoo.com

۲- گروه حسابداری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m_hassani@iau-tmb.ac.ir

۳- گروه حسابداری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dr.khanmohammadi@yahoo.com

۱- مقدمه

افراد فعال در یک جامعه پیوسته در حال تلاش برای بهبود "کیفیت زندگی"^۱ هستند. همواره این پرسش اساسی وجود دارد که زندگی باکیفیت و مطلوب چگونه است. می‌توان بیان کرد که کیفیت زندگی تحت تاثیر ذهنیت افراد است و اشخاص مختلف دیدگاه متفاوتی در مورد کیفیت زندگی دارند. علاوه بر آن، کیفیت زندگی ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را تحت پوشش قرار می‌دهد. بر این اساس، این پژوهش به بررسی ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی می‌پردازد. ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی عواملی همچون شغل افراد، ثروت و درآمد افراد، وجود زیرساخت‌ها و امکانات و ... را شامل می‌شود. کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که از یک سو شامل ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر شامل ابعاد ذهنی و درونی است و تبیین یک تعریف جامع برای آن آسان نیست. کیفیت زندگی از دهه ۱۹۶۰ به یکی از موضوعات مورد علاقه علوم اجتماعی تبدیل شده است؛ زیرا در این دهه مشخص شد که رشد و توسعه اقتصادی لزوماً منجر به بهبود زندگی مردم یک کشور نشده و کیفیت زندگی لزوماً به معنای بهبود شرایط اقتصادی جامعه نیست (داس^۲، ۲۰۱۵). مطالعات علمی نشان می‌دهد که رابطه بین پیشرفت اقتصادی و کیفیت زندگی، رابطه‌ای خطی نیست؛ این دو، تا نقطه‌ای هم‌سو و هم‌جهت حرکت می‌کنند و آن نقطه‌ای است که حداقل شرایط مطلوب مادی برای انسان را فراهم کند؛ ولی از این نقطه به بعد دیگر نمی‌توان انتظار داشت که تأمین نیازهای اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی کمک کند، زیرا از سان موجودی چند وجهی و پیچیده است و منطق اقتصادی نمی‌تواند بسیاری از رفتارهای او را تبیین کند. همچنین گلاتزر^۳ (۲۰۱۶) بیان می‌کند که رشد فزاینده تولید ناخالص داخلی نمی‌تواند به طور مستمر کیفیت زندگی را بهبود بخشد. به این دلیل که منطق اقتصادی توانایی بررسی رفتارهای انسان را ندارد و بررسی ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی با رویکردهای آماری متعدد برخی از جنبه‌های اقتصادی کیفیت زندگی را در نظر نمی‌گیرد. پژوهش حاضر به دنبال تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر کیفیت زندگی با روش کیفی و مصاحبه با خبرگان است. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که از دیدگاه خبرگان چه عوامل اقتصادی بر کیفیت زندگی افراد تأثیرگذار است. برای این موضوع پژوهشگر ابتدا با استفاده از مبانی نظری سعی دارد که موضوع مصاحبه را در چهارچوبی علمی و منطقی قرار دهد تا از این طریق بتواند به هدف پژوهش برسد. بعداً ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی دارای ماهیتی پیچیده و چندوجهی است و علاوه بر ویژگی‌های فردی افراد، تحت تأثیر ویژگی‌های جامعه، ارتباط افراد در یک مجموعه و محیط قانونی و مقرراتی حاکم بر روابط بین افراد تأثیرگذار است.

¹ Quality of Life

² Das

³ Glatzer

۲- چهارچوب نظری

بررسی ادبیات پیشین پژوهش نشان می‌دهد که تعاریف متعددی در زمینه بعد اقتصادی کیفیت زندگی وجود دارد. به لحاظ آکادمیک، مفهوم کیفیت زندگی به عنوان یک زمینه پژوهشی از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد. گزارش "کمیته ریاست جمهوری آمریکا"^۱ در راستای تحقق اهداف ملی این کشور به برنامه‌های محیط زیستی به عنوان عوامل پیشگام در کیفیت زندگی توجه کرده است (شوسلر و فیشر، ۲۰۰۴). کیفیت زندگی، مفهومی چند بعدی و پیچیده است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و از این رو، معانی گوناگون برای افراد و گروه‌های مختلف بر آن مترتب است. از یک سو کیفیت زندگی فردی به عنوان پنداشتی از چگونگی گذران زندگی فرد مطرح می‌شود و از بعدی کلی‌تر، کیفیت موقعیت‌های زندگی حول یک عامل، موقعیت‌هایی نظیر محیط پیرامونی و یا فرهنگ در یک جامعه معین را شامل می‌شود. از منظری دیگر، می‌توان کیفیت زندگی را در دو سطح خرد (فردی-ذهنی) و کلان (اجتماعی-عینی) تعریف کرد (براتی و یزدان پناه شاه آبادی، ۱۳۹۰). سطح خرد شاخص‌هایی نظیر ادراکات کیفیت زندگی، تجارب، ارزش‌های فرد و معرف‌های مرتبط مانند رفاه، خوشبختی و رضایت از زندگی را شامل می‌شود و سطح کلان شامل درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط زندگی و محیط است. بنابراین در سطح کلان درآمد و به دنبال آن شاخص‌های اقتصادی بر کیفیت زندگی تأثیرگذار هستند. وجود درآمد بالا صرفاً به معنای کیفیت بالای زندگی نیست؛ بلکه نحوه استفاده از درآمد و وجود محیطی مناسب با افکار و عقاید در راستای مصرف درآمد نیز بر کیفیت بالای زندگی تأثیرگذار است. از طرف دیگر ارزش‌های فردی در سطح خرد از میزان درآمد در سطح کلان تأثیرپذیر است و کاهش میزان درآمد وجود و پیروی از ارزش‌های سطح فردی را تحت تأثیر قرار داده و با مشکل مواجه می‌کند. در سطح فردی، هر فرد به عنوان یک واحد دارای اهداف، انتظارات و اولویت‌هایی است که تحت تأثیر فرهنگ و نظام ارزشی بوده و موضوع کاملاً فردی و ذهنی بوده و قابل مشاهده نیست. در واقع، کیفیت زندگی در جامعه مورد مطالعه، به عنوان موضوعی در سطح فردی است که به دنبال توصیف درک موقعیت خود فرد، از زندگی است که این درک از نظر فرهنگ و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کند، دارای اهداف، انتظارات و اولویت‌هایی است. کیفیت زندگی افراد جامعه تأثیر بسزایی در یادگیری و افزایش آگاهی علمی و موفقیت افراد خواهد داشت. بنابراین ضرورت دارد کیفیت زندگی افراد مورد توصیف قرار گیرد. لذا با توجه به گستردگی مفهوم کیفیت زندگی که مفاهیم حوزه سلامت، فرهنگ، اقتصاد و... را در بر می‌گیرد، پژوهشی تخصصی در بعد اقتصادی کیفیت زندگی ضرورت دارد.

همگام با افزایش جمعیت، شهرنشینی و تمرکز صنایع، سرمایه‌ها و امکانات موجب شده تا خدمات شهری رشد کرده و شهرهای بزرگ به کلان شهرهای کنونی تبدیل شده و مشکلات دشوار و پیچیده‌ای پدید آید. از جمله این مشکلات می‌توان به پدیده آلودگی هوا و تخریب محیط زیست اشاره کرد که با اضافه شدن فشارها و استرس‌های روانی، صدمات جبران ناپذیری به بشر وارد کرده است. همین مسأله، توجه بسیاری از دانشمندان و

¹ Presidential Commission of United States

² Schuessler and Fisher

صاحب نظران را به مفهوم کیفیت زندگی معطوف نمود تا از این طریق تلاش‌هایی در راستای ارتقای شرایط زندگی و بهبود بخشیدن به بعد کیفی زندگی به صورت گیرد. شو سلا و فیشر (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که پژوهشگران کیفیت زندگی، ابتدا دسته‌هایی از مردم مانند افراد سالخورده و بیماران را به عنوان جمعیت‌های هدف برای مطالعه کیفیت زندگی برگزیدند، اما در حال حاضر گستره شمول این مفهوم به حوزه‌هایی فراتر از افراد مذکور کشیده شده است و افراد متخصص یک جامعه را نیز در بر می‌گیرد. در این میان، بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی به لحاظ جامعه شناختی حائز اهمیت است. گرچه بسیاری از ابعاد کیفیت زندگی، اجتماعی هستند، ولی پژوهشگر عقیده دارد که ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی ابعاد اجتماعی آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این بابت، بررسی ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی دارای اهمیت است. همچنین پژوهشگر اعتقاد دارد که وجود توان اقتصادی بالا به تنهایی زمینه ساز ایجاد سطح بالای کیفیت زندگی نمی‌گردد، بلکه شرایط محیطی برای به کارگیری توان اقتصادی در جامعه بسیار حائز اهمیت است. به بیان ساده‌تر نبود شرایط و امکانات جهت استفاده از توان اقتصادی می‌تواند تأثیر توان اقتصادی بر کیفیت زندگی را کاهش دهد. پژوهش حاضر ابتدا از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تلاش می‌کند ضمن مرور مباحث نظری، آخرین پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه کیفیت زندگی را ارائه و سپس با استفاده از دیدگاه خبرگان در حوزه بعد اقتصادی کیفیت زندگی به بررسی این مفهوم بپردازد.

شاخص‌های عینی سنجش کیفیت زندگی، شرایط مشاهده‌پذیر محیط زیستی را مدنظر قرار می‌دهند، مانند وضع مسکن، تغذیه، محیط زیست و ... و شاخص‌های ذهنی، با توجه به سوالاتی که محققان از طریق پرسشنامه از مردم درباره احساسات رضایت، شادکامی یا مشابه آن می‌پرسند به دست می‌آیند. شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی یا به بیان دیگر، کیفیت زندگی ذهنی، مقوله‌ای است که در روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی دارای سابقه طولانی است. با وجود این، مشکل عمده در تحقیقات مربوط به کیفیت زندگی، به ناهمخوانی شاخص‌ها و شیوه‌های سنجش و نبود روش‌های یکسان برای سنجش کیفیت زندگی برمی‌گردد. برای مثال، گلن و ویور^۱ (۲۰۰۰) برای سنجش کیفیت زندگی ذهنی، فهرستی از احساسات مختلف را طراحی کردند که در آن نمرات رضایت از یک سری فعالیت‌های خاص وزن‌دهی شده و به وسیله زمانی که افراد برای انجام هر فعالیت صرف می‌کردند، اولویت‌بندی گردید.

بررسی تحقیقات مختلف در ادبیات کیفیت زندگی، حاکی از آن است که هیچ اتفاق نظر دقیقی مبنی بر اینکه چه شاخص‌هایی باید برای سنجش این مفهوم به کار روند، وجود ندارد. بنابراین، به نظر می‌رسد برای سنجش کیفیت زندگی ابتدا باید تمامی ابعاد و جنبه‌های تشکیل‌دهنده این مفهوم شناسایی شوند تا بتوان به تعریفی جامع و کامل دست یافت. این در حالی است که اکثر محققان به بررسی یک یا چند جنبه مهم بسنده کرده و سپس نتایج بررسی خود را در قالب کیفیت کلی زندگی ارائه می‌دهند. بلند و کرنر^۲ (۲۰۱۴) بیان می‌کنند، تعریف کیفیت زندگی باید جامع و شامل عوامل و جنبه‌های مختلف از جمله عوامل فیزیکی و

^۱ Glenn and Weaver

^۲ Bond and Corner

ساختمانی، جسمانی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین برداشت‌ها و تجربیات ذهنی افراد از مفهوم کیفیت زندگی باشد.

۳- پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی به بررسی کیفیت زندگی پرداختند و هر کدام از زاویه خاصی موضوع مذکور را بررسی نموده‌اند؛ از جمله:

خادمی و جوکار سرهنگی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی کیفیت زندگی شهری در بافت فرسوده شهر آمل از جنبه‌های کیفیت محیطی، اقتصادی و سلامت اجتماعی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد بافت فرسوده شهر به لحاظ شاخص کیفیت زندگی در زیر سطح متوسط قرار گرفته و نوع بافت شهری کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت شهروندان در این پژوهش نشان می‌دهد ابراز رضایتی شهروندان از وضعیت اقتصادی نسبت به سایر مؤلفه‌ها بیشتر است.

ضرابی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به سنجش و ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر یا سوچ پرداختند. در این پژوهش، پنج شاخص سلامت محیطی، سلامت اجتماعی، سلامت جسمانی، سلامت روانی و حمل و نقل عمومی برای بررسی کیفیت زندگی بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد به جز عامل سلامت جسمانی، رضایت مردم، در مقایسه با سایر ابعاد مورد بررسی، بالاتر از حد متوسط است و این تفاوت از دیدگاه آماری معنادار است.

رضایی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای، به بررسی تحلیل رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت محیط در شهرهای جدید (شهر مورد مطالعه: شهر پرنده) پرداختند. این پژوهش کیفیت زندگی را در پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، کیفیت مسکن، ارائه خدمات شهری و کیفیت دسترسی و حمل و نقل طبقه‌بندی کرده است. نتایج نشان می‌دهد کیفیت محیط سکونت از دیدگاه ساکنان شهر جدید پرنده در همه شاخص‌ها در سطح پایینی قرار دارد و فقط شاخص دسترسی و حمل و نقل، نزدیک به متوسط ارزیابی شده است.

شریف قاضیانی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی کیفیت زندگی و عوامل مرتبط با آن در خانواده‌های دارای بیمار روانی پرداختند. نتایج حاصل از بررسی ۱۵۲ زن و ۹۰ مرد حاکی از آن است که کیفیت زندگی ضعیف‌تر در زنان، نشانگر نیاز به توجه بیشتر بر مداخلات مراقبتی - درمانی و حمایت‌های اجتماعی ارتقاءدهنده رفاه و کیفیت زندگی در این گروه از مراقبین است.

حسینی‌امین و همکاران (۱۳۹۵) به مطالعه کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران پرداختند. این پژوهش با بررسی ۴۲۰ نفر از طریق پرسشنامه نشان داده است که ۵۸/۳٪ از پاسخگویان، کیفیت زندگی متوسطی دارند. علاوه بر آن، کیفیت زندگی با شادمانی اجتماعی، حمایت اجتماعی و تحصیلات افراد همبستگی معنادار و مثبتی دارد. همچنین شادمانی اجتماعی با بیشترین تأثیر و پس از آن تحصیلات و در آخر حمایت اجتماعی متغیرهای مؤثر بر کیفیت زندگی هستند. با افزایش حمایت اجتماعی، شادمانی اجتماعی افزایش

می‌یابد. علاوه بر آن، افرادی که حمایت اجتماعی بالاتری را دریافت می‌دارند، از تحصیلات بالاتری نیز برخوردار می‌شوند.

شربتیان (۱۳۹۵) به مطالعه سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی دانشجویان در مراکز آموزش عالی شهر قاین پرداخته است. میانگین کیفیت زندگی دانشجویان برابر با ۷۲/۸۹ است که نشان‌دهنده کیفیت زندگی در حد متوسط رو به بالا می‌باشد. در این میان، دانشجویان در بین شاخص‌های سطح کیفیت زندگی خود به ابعاد سلامت جسمانی و روانی بیشتر اهمیت می‌دهند. علاوه بر آن، میانگین سلامت روانی دانشجویان متفاوت است؛ به طوری که دانشجویان دختر به نسبت دانشجویان پسر، بیشتر در معرض افسردگی، اضطراب و نگرانی در این دوره قرار دارند. همچنین میانگین نمرات سلامت محیط و روابط اجتماعی، به نسبت دو شاخص دیگر مورد مطالعه (سلامت جسمانی و سلامت روان)، به عنوان شاخص‌های کیفیت زندگی، در حد متوسط رو به پایین است. در ادامه نمونه‌هایی از تحقیقات خارجی در زمینه کیفیت زندگی ارائه می‌شود. شالوک^۱ (۲۰۱۴) معتقد است علاقه به بحث کیفیت زندگی به لحاظ تاریخی از چهار زمینه ریشه می‌گیرد:

- بازنگری در این باور که پی شرف‌های علمی، پزشکی و تکنولوژیک به تنهایی می‌توانند خوشبختی و بهزیستی بشر را فراهم کنند و در عوض توجه به این مسئله که احساس بهزیستی شخصی، خانوادگی و اجتماعی در صورتی تحقق می‌یابد که پیشرفت‌های مذکور با ارزش‌ها، ادراکات و شرایط محیط‌زیستی مساعدی هم همراه شوند.
- تغییر نگرش از خدمات مبتنی بر اجتماع به سمت سنجش نتایج و پیامدهای زندگی فرد در اجتماع.
- افزایش قدرت مصرف‌کنندگان و شکل‌گیری جنبش‌های تأمین‌کننده حقوق بیماران و تاکید این جنبش‌ها بر برنامه‌ریزی شخص‌محور، توجه به پیامدهای شخصی برنامه‌های رفاهی و دولتی و توجه به حق تعیین سرنوشت خود و
- پیدایش تغییرات جامعه‌شناختی که جنبه‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی را معرفی و بر ویژگی‌های فردی و شخصی این مفهوم تأکید نمود.

در مباحث مربوط به سنجش کیفیت زندگی، بین ابعاد این مفهوم و شاخص‌های در نظر گرفته شده برای سنجش آن‌ها تفاوت وجود دارد. بسیاری از محققان بر این اعتقادند که کیفیت زندگی تا حد زیادی با جنبه‌هایی از زندگی شخصی مانند آرزوها، انتظارات، شادکامی، رضایت و ... تعیین می‌شود. افزون بر این، تحقیقات بی‌شماری بر مقوله رضایت به عنوان مفیدترین شاخص سنجش کیفیت زندگی ذهنی تأکید می‌کنند (گلن و ویور، ۲۰۰۰). اندروز و ویتی^۲ (۱۹۹۸) سطح رضایت از زندگی خانوادگی، شغل و درآمد در کنار احساس کارآمدی شخصی، رضایت از عملکرد دولت در کل، و رضایت از خدمات موجود را از جمله عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی در کل و در نتیجه کیفیت زندگی قلمداد کردند. در مقابل شاخص‌های ذهنی، عده‌ای از صاحب‌نظران شاخص‌های عینی را برای سنجش کیفیت زندگی مورد توجه خود قرار می‌دهند. برای مثال، گلن

^۱ Schalock

^۲ Andrews and Withy

و ویور (۲۰۰۰) در مطالعه خود حدود شش دسته متغیرهای مختلف در این زمینه را نام برده و معتقدند این متغیرها برای سنجش کیفیت زندگی عینی مورد توافق اکثر صاحب نظران هستند. متغیرهای مورد نظر در این پژوهش عبارتند از: الف) درآمد، ثروت و شغل؛ ب) محیط زیست؛ پ) سلامتی روحی و سلامتی جسمی؛ ت) آموزش؛ ث) بی‌سازمانی اجتماعی؛ جنایت، الکلیسم، اعتیاد و... ح) از خود بیگانگی و مشارکت سیاسی.

در مطالعه دیگری درباره تأثیر التزام مذهبی بر رضایت از زندگی، هاداو و روف^۱ (۱۹۹۹) دریافتند، اهمیتی که یک فرد برای ایمان مذهبی قائل است؛ قوی‌ترین تأثیر را بر کیفیت زندگی اش بر جا می‌گذارد. در این مطالعه، کیفیت زندگی تنها با یک شاخص، آن هم میزان ارزشمند بودن زندگی، مورد سنجش قرار گرفت. به اعتقاد محققین این پژوهش، کیفیت زندگی باید با توجه به ارزش شمنند بودن یا بی‌ارزش بودن زندگی مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا این مقوله بیشتر با نگرش فرد نسبت به زندگی سر و کار دارد.

کمپبل^۲ و همکاران (۱۹۷۶) به این نتیجه رسیدند که ازدواج موفق میزان رضایت از زندگی و احساس شادکامی را در کل افزایش می‌دهد، اما داشتن بچه کوچک یا نوجوان تأثیری قوی و تعدیل‌کننده روی رضایت دارد. علاوه بر آن، در میان افراد متأهل، داشتن بچه رضایت از زناشویی را کاهش می‌دهد و طلاق تأثیری بسیار منفی بر رضایت از زندگی خانوادگی دارد. همچنین کیفیت زندگی با آموزش ارتباط مستقیم دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان سال‌های سپری شده برای کسب آموزش بیشتر باشد، کیفیت زندگی هم افزایش می‌یابد.

فادلالمولا و الکاریم^۳ (۲۰۲۰) به بررسی اثر برنامه‌های آموزشی بر دانش و کیفیت زندگی بیماران همودیالیزی پرداختند. ایشان برای انجام پژوهش ابتدا مطالعات خود را با بررسی نمونه شروع و سپس با آموزش نمونه مجدداً به بررسی آنان پرداختند. نتایج حاکی از آن است که برنامه‌های آموزشی بر سطح دانش و درک افراد از کیفیت زندگی تأثیر معناداری دارد.

لی^۴ (۲۰۱۶) با استفاده از شاخص‌های ذهنی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه (پایتخت کشور تایوان) پرداخته است. به منظور پیمایش ارزیابی ذهنی ساکنان از کیفیت زندگی، ۳۳۱ نفر از ساکنان این شهر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که محل زندگی، زناشویی، سن، تحصیلات و درآمد، قلمروهای مختلف رضایت را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ازبوو و آموله^۵ (۲۰۱۸) به بررسی رضایت از کیفیت زندگی ساکنان ۱۰ منطقه از دولت ایالت جنوبی نیجریه پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که ۶۱٪ از پاسخگویان در کل از زندگی در خانه‌های فعلی خود رضایت داشته‌اند؛ اما از دسترسی به خدمات و امکانات احساس نارضایتی می‌کرده‌اند.

¹ Hadavi and Roof

² Campbell

³ Fadlalmola and Elkareem

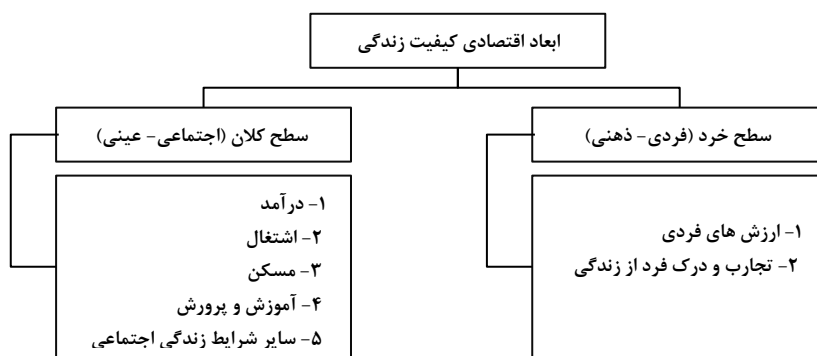
⁴ Lee

⁵ Eziyi and Amole

اولاجویجی^۱ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی کیفیت زندگی برای کاهش فقر با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی پرداختند. آنان کیفیت زندگی را با استفاده از ۱۲ شاخص در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که کیفیت زندگی ۶۱/۵٪ از محیط جغرافیایی زیر حد متوسط، ۱۷/۹٪ بسیار فقیر و ۱۴/۶٪ در حد متوسط بوده است.

ردماکر^۲ (۲۰۱۵) کیفیت زندگی را جنبه‌های مختلف بهزیستی مردم می‌داند و برای اولین بار شاخص‌های عینی با ارزیابی ذهنی از موقعیت افراد و پوشش جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی را ترکیب می‌کند. از دید وی کیفیت زندگی، مفهومی گسترده‌تر از تولید اقتصادی و استانداردهای زندگی بوده و دارای نه بعد است. در این میان، هشت بعد به قابلیت‌های افراد بر می‌گردد که شامل: ۱- موقعیت مادی زندگی ۲- اشتغال ۳- سلامت ۴- تحصیلات ۵- روابط اجتماعی و فراغت ۶- امنیت فیزیکی و اقتصادی ۷- دولت و حقوق اساسی ۸- محیط زندگی و طبیعی است. بعد نهم برآیند کلی تجربه‌ای است که هر فرد با توجه به درک شخصی از کیفیت زندگی دارد.

بررسی پژوهش‌های پیشین در حوزه کیفیت زندگی نشان می‌دهد اغلب پژوهش‌های صورت گرفته، با رویکرد قیاسی انجام شده است. با توجه به مبانی نظری تحقیق و تحقیقات پیشین، چهارچوب مفهومی برای بررسی ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی به شرح زیر است: در سطح خرد، کیفیت زندگی تحت تأثیر ویژگی‌های فردی افراد قرار گرفته و بدون توجه به شاخص‌های جامعه تبیین می‌گردد. به بیان ساده‌تر، کیفیت زندگی صرفاً عاملی فردی بوده و در یک محیط یکسان، از فردی به فرد دیگر متفاوت است. بررسی بعد اقتصادی کیفیت زندگی از نگاه معیارهای فردی، اهمیت شاخص‌های متعدد از دید افراد مختلف را نمایان می‌سازد. به بیان دیگر، دو فرد در یک محیط کاملاً یکسان، دارای کیفیت زندگی متفاوتی هستند و این تفاوت در ذهن آنان جای دارد. در حالی که در بعد کلان کیفیت زندگی، شاخص‌های فردی نادیده گرفته شده و شاخص‌های اجتماعی تعیین‌کننده میزان کیفیت زندگی افراد هستند. نمودار ۱ ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

^۱ Olajuyigbe

^۲ Rademacher

در تحقیقات پیشین، در دو جبهه متفاوت خرد و کلان به موضوع کیفیت زندگی پرداخته شده است. بنابراین در تحقیقات صورت گرفته محققان صرفاً جنبه‌ای از کیفیت زندگی را برر سی کرده‌اند و به دنبال ارائه مدل جامع و یکپارچه نبوده‌اند. همچنین لازم به ذکر است با توجه به فراهم نبودن شرایط حاکم بر زندگی باکیفیت در کشور ما و نبود زیرساخت‌های اساسی در این زمینه، انجام پژوهشی جامع در این زمینه لازم و ضروری بوده و می‌تواند دیدگاهی دقیق‌تر از کیفیت زندگی را ارائه دهد. در برر سی کیفیت زندگی، ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار هستند؛ ولی هدف اصلی این پژوهش تبیین بعد اقتصادی کیفیت زندگی است. از طرف دیگر، ارزش‌های سطح خرد بعد اقتصادی کیفیت زندگی از ارزش‌های سطح کلان اقتصادی و شاخص‌های اقتصادی تأثیرپذیرند. بر این اساس، صرف وجود دیدگاهی بهینه در رابطه با سطح فردی بعد اقتصادی کیفیت زندگی و بدون توجه به ابعاد اقتصاد کلان و وضعیت اقتصادی جامعه، نمی‌تواند مفهوم کیفیت زندگی را به طور دقیق منعکس نماید. علاوه بر آن، برر سی شاخص‌های سطح فردی با رویکردهای آماری رگرسیون و پرسشنامه‌ای قابل برر سی نیست؛ چرا که چهارچوب کیفیت زندگی از دیدگاه هر فرد متفاوت است و بهترین رویکرد برای برر سی این موضوع مصاحبه و مقوله‌سازی از مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع است.

کیفیت زندگی را می‌توان میزان برآورده شدن نیازهای روانی و مادی افراد در نظر گرفت. برآورده شدن نیازهای روانی و مادی افراد با امکانات زندگی آن‌ها در ارتباط است. گرچه عوامل متعددی کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما این پژوهش صرفاً به دنبال برر سی ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی است. در برر سی کیفیت زندگی، دو رویکرد عاملیتی و ساختاری مطرح می‌گردد. در رویکرد عاملیتی توانایی‌های فرد در مرکز توجه قرار می‌گیرد و بدون توجه به امکانات و ساختار پیرامون، قابلیت‌ها و توانایی‌های فرد مورد برر سی قرار می‌گیرد. این رویکرد در وضعیتی ساده‌تر بیان می‌کند که کیفیت زندگی به وضعیت جامعه ارتباطی ندارد و افراد صرفاً با توجه به تولدنی‌های خود تعیین‌کننده میزان کیفیت زندگی هستند. در حالی که در رویکرد ساختاری کیفیت زندگی را تحت تأثیر ویژگی‌های جامعه قرار می‌دهد. این رویکرد برر سی کیفیت زندگی، تعریفی جامع از کیفیت زندگی را ارائه داده و جامعه را به عنوان یک کلیت می‌بیند. وجود تعریفی جامع از کیفیت زندگی و بیان عوامل مؤثر بر آن، تصمیم‌گیران جامعه را به تفکر در زمینه فراهم ساختن شرایط مطلوب زندگی برای افراد جامعه ترغیب می‌کند. لذا برر سی این موضوع از این بابت حائز اهمیت است. گرچه در زمینه کیفیت زندگی تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است، اما این پژوهش با رویکردی نو به دنبال برر سی این موضوع از دیدگاه خبرگان این حوزه است.

۴- روش تحقیق

۴-۱- قلمرو تحقیق، جامعه و نمونه آماری

تحقیق حاضر به دنبال برر سی ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی در شهر تهران است. افراد مورد مطالعه صاحبان متخصص فعال در حوزه اقتصاد، روانشناسی، حسابداری و مدیریت مالی مشغول به فعالیت در دانشگاه‌های واقع در شهر تهران می‌باشند. دوره زمانی پژوهش ۱۳۹۹ و جامعه آماری، شهروندان شهر تهران می‌باشند.

روش نمونه‌گیری

نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان، مانند انواع دیگر پژوهش‌های کیفی، متکی بر تصورات معرف بودن نمونه آماری برای تعمیم‌پذیری داده‌ها و اصالت یافته‌ها نیست و عموماً نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب می‌شوند. گردآوری و تحلیل داده‌ها در نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان، بر اساس نمونه‌گیری نظری انجام می‌شود و با اشاره مشارکت‌کنندگان به صورت گلوله‌برفی اطلاع‌رسانان دیگر کشف می‌شوند (فراست‌خواه، ۱۳۹۵). لذا نمونه‌گیری مبتنی بر راهبرد نمونه‌گیری نظری و با روش گلوله‌برفی انجام شده است. معیارهای تعیین نمونه عبارتند از:

- ۱- انجام تحقیقات مرتبط، ۲- دارا بودن تجربیات مؤثر و مرتبط، ۳- تخصص. از آنجا که چهارچوب نمونه باید به گونه‌ای باشد که گروه‌های مختلف درگیر با تجربه‌های مرتبط را در بر گیرد تا داده‌ها از حیث تنوع و کفایت به نقطه اشباع برسد (منجم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). برای شروع نمونه‌گیری ابتدا خوشه‌بندی انجام شده است. خوشه‌بندی روندی است که بین اعضای خوشه شباهت وجود داشته باشد؛ به گونه‌ای که اعضای یک خوشه با اعضای دیگر متفاوت باشند (ابراهیمی، ۱۳۹۸). به منظور غنای تحقیق، در مرحله اول، خبرگان مورد بررسی از دانشگاه انتخاب شدند و شرط اولیه انتخاب آن‌ها دارا بودن دیدگاه علمی و کار پژوهشی در این زمینه بوده است. پس از مرحله اولیه نمونه بعدی توسط شخص مصاحبه‌شونده انتخاب شده است. در مجموع پس از انجام ۳۰ مصاحبه داده‌های گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های جدید نبوده است؛ ولی برای کسب اطمینان بیشتر، مصاحبه تا ۳۵ نفر ادامه یافت. مدت زمان میانگین مصاحبه‌ها هفتاد دقیقه بوده است. جدول ۱ مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱- مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

رشته تحصیلی	اقتصاد	روانشناسی	حسابداری	مدیریت مالی
تعداد	۹	۸	۱۱	۷
عضویت در هیأت علمی دانشگاه	عضو هیأت علمی		غیر	
تعداد	۱۲		۲۳	
گروه سنی	کمتر از ۳۵	بین ۳۵ تا ۴۵	بین ۴۵ تا ۶۰	بیشتر از ۶۰
تعداد	۳	۱۲	۱۸	۲
جنسیت	مرد		زن	
تعداد	۱۳		۲۲	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۴- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تحقیق این پژوهش، کیفی و نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان است. این روش به آفرینش نظریه به روش استقرایی و تلاش برای درک درست و احساس مناسب از وقایع روزمره اطلاق می‌شود. نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان

را می توان به عنوان رویکردی پژوهشی معرفی کرد که بر اساس داده های واقعی از طریق روش علمی نظریه های جدید تدوین می شود و هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). هدف این پژوهش نیز شناخت و درک تجارب اقتصاددانان، روان شناسان، حسابداران و مدیران مالی فعال در ایران در زمینه بعد اقتصادی کیفیت زندگی است. در رویکردهای سنتی، جمع آوری داده ها یک مرحله مجزا در پژوهش است که معمولاً قبل از تحلیل داده ها کامل می شود. در نظریه پردازی زمینه بنیان الگوی جمع آوری داده ها متفاوت است و فعالیت های جمع آوری و تحلیل داده ها به صورت همزمان صورت می گیرد. در این خصوص، مصاحبه روش مناسبی برای جمع آوری داده ها است و لذا با توجه به هدف تحقیق، جمع آوری داده ها از طریق مصاحبه با خبرگان که شامل اساتید دانشگاه در شاخه های مذکور است، صورت می پذیرد. استراوس و کوربین (۱۹۹۸) معتقدند که نظریه پردازی زمینه بنیان نیازمند سوال هایی است که از انعطاف پذیری و آزادی لازم برای بررسی پدیده مورد نظر برخوردار باشد. بنابراین باید از مصاحبه ساختار نیافته در راستای کشف حقایق و جهت دهی به مصاحبه، استفاده نمود. مراحل کدگذاری در گراند تئوری شامل: گام اول: کدگذاری باز، گام دوم: کدگذاری محوری و گام سوم: کدگذاری انتخابی.

گام اول: کدگذاری باز

این مرحله پس از انجام هر مصاحبه صورت می پذیرد و محقق در پایان هر مصاحبه مفاهیم و مقوله های موجود در آن را استخراج می کند و نسبت به انتخاب برچسب و عنوان برای مفاهیم مرتبط اقدام می کند. مراحل این کدگذاری به شرح زیر است:

- تحلیل اولیه و کدگذاری: در این مرحله محقق با بررسی هر مصاحبه مقوله های اولیه را از درون مصاحبه استخراج می کند.
- کشف طبقه: در این مرحله محقق با نزدیک سازی مفاهیم هر مقوله مستخرجه از مصاحبه ها سعی در نزدیک سازی مفاهیم و ایجاد برچسب مفهومی پوشش دهنده آن مفاهیم می نماید؛ به طوری که مفاهیم تحت پوشش عنوان انتخابی قرار گیرد. این مرحله انتزاعی تر از مرحله قبلی است و تحت تأثیر توانایی محقق قرار دارد. عنوان های انتخابی به طور عمده توسط خود پژوهشگر انتخاب شده اند و سعی بر این بوده که بیشترین ارتباط و همخوانی را با داده هایی که نمایانگر آن است داشته باشند.
- توصیف طبقه ها با توجه به خصوصیات آنها: در گام بعدی، به منظور روشن تر کردن طبقه ها، خصوصیات آنها بیان می شود.
- جدول کدگذاری باز: این مرحله شامل دو بخش است. الف) جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه ها (ب) جدول طبقه های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آنها.

الف) کدگذاری اولیه

در ادامه خلاصه‌ای از یکی از مصاحبه‌ها و نحوه استخراج کدهای اولیه ارائه شده است. با توجه به مفصل بودن مصاحبه صرفاً بخش محدودی از آن آورده شده است.

جدول ۲- کدگذاری اولیه یک نمونه مصاحبه

بخشی از یک مصاحبه	استخراج کدهای اولیه
میزان درآمد هر فرد تحت تاثیر تفکر فرد نیز قرار دارد؛ یعنی اشباع‌پذیری افراد در درآمد متفاوت است. به عبارتی، شخصی که تا الان درآمدش یک میلیون تومان بوده است، در صورتی که درآمد وی به یکباره به پنج میلیون تومان افزایش پیدا کند تا مدت زمانی محدود زندگی باکیفیتی را تجربه می‌کند و این زمان فاصله بین نیازهای فعلی تا تطبیق خود با درآمد جدیدش است. همچنین نحوه مدیریت درآمد از میزان درآمد بااهمیت‌تر است، یعنی بعضی اشخاص با درآمد پایین و مدیریت بهینه از برخی دیگر از اشخاص که درآمد بیشتری دارند، رفاه بیشتری را تجربه می‌کنند. همچنین درآمد گرچه بااهمیت است ولی نحوه کسب آن بااهمیت‌تر است، به نظر من خیلی از افراد جامعه هستند که درآمدهای کمتر در محیطی مطلوب‌تر و آرامش‌را به درآمدهای بالا در محیط‌های پراسترس ترجیح می‌دهند. استرس ممکن است از دوام کار یا از شلوغی کار ناشی شود. شخصی که امنیت شغلی ندارد، استرس بالایی را تجربه می‌کند و میزان درآمد به تنهایی نمی‌تواند رفاه وی را در پی داشته باشد. همچنین از دیدگاه من گرچه بعد اقتصادی زندگی، کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی این موضوع تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه قرار دارد و ...	- درآمد بالا - تفکر انفرادی افراد - اشباع‌پذیری افراد - نحوه مدیریت درآمد - نحوه کسب درآمد - استرس کاری - امنیت شغلی - وجود سلامت جسمانی - شرایط سیاسی جامعه - شرایط اجتماعی جامعه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

ب) کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

در مرحله بعدی به علت زیاد بودن کدهای اولیه مربوط به همه مصاحبه‌های صورت گرفته، این کدها به کدهای ثانویه تبدیل می‌شوند. در جدول ۳ سمتی از نتایج کدگذاری باز بر اساس کدهای ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات ارائه شده است.

جدول ۳- کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

مقولات و کدهای مفهومی	کدهای ثانویه
کسب درآمد مناسب و نحوه مصرف آن	بالا بودن درآمد، مدیریت صحیح درآمد، عملکرد شخصی مناسب، اولویت‌بندی صحیح مخارج
شرایط مطلوب جامعه	وجود شرایط سیاسی مناسب، وجود وضعیت اجتماعی مناسب جامعه، نبود تورم سنگین و ثبات قیمت‌ها
شرایط درونی خانواده	وضعیت مطلوب درون خانواده، آرامش خانگی، محیط و محل سکونت، وجود وسایل رفاهی در دسترس
شرایط مطلوب محیط کار	محیط کاری مطلوب، استرس شغلی کم، وجود رفتار مناسب از طرف همکاران

منبع: یافته‌های پژوهشگر

گام دوم: کدگذاری محوری

در این مرحله پژوه شگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب کرده و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند. ارتباط سایر طبقه‌ها در پنج عنوان می‌تواند تحقق پیدا کند:

۱) شرایط علی: این شرایط مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایشان است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲) راهبردها و تعاملات: بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و بستر حاکم حاصل می‌شوند.

۳) بستر حاکم: به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، بستر حاکم گفته می‌شود و تمیز آن‌ها از شرایط علی مشخص است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند. در مقابل شرایط علی، مجموعه‌ای از متغیرهای فعال قرار دارند.

۴) شرایط مداخله‌گر: شرایطی هستند که راهبردها از آن‌ها متأثر می‌شوند. این شرایط را مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می‌دهند. شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود کرده و صبغه علی و عمومی دارند.

۵) پیامدها: برخی از طبقه‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. در این روش کدگذاری که اصطلاحاً به آن «مدل پارادایم» گفته می‌شود، کدگذاری حول «محور» یک طبقه انجام می‌پذیرد. کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی زمینه بنیان است که هدف آن برقراری رابطه بین طبقه‌های تولید شده است. این مرحله به نظریه پرداز کمک می‌کند تا فرآیند نظریه را به سهولت انجام دهد. اساس فرآیند ارتباط‌دهی در کدگذاری محوری، بر بسط یکی از طبقه‌ها قرار دارد.

گام سوم: کدگذاری انتخابی

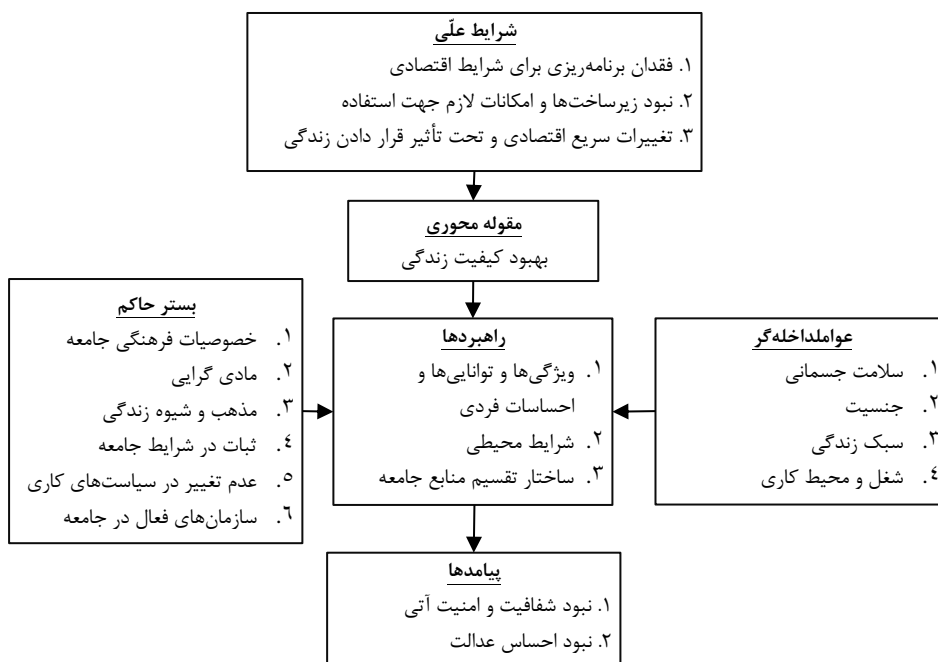
روند انتخاب مقوله اصلی شامل چند گام می‌باشد: اولین قدم متضمن توضیح خط اصلی داستان است. گام دوم، ربط دادن مقولات تکمیلی بر حول مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم است. گام سوم، مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی است. گام چهارم، به تأیید ر ساندن آن روابط در قبال داده‌ها است. آخرین قدم، تکمیل مقولاتی است که اصلاح و یا نیاز به بسط و گسترش دارند (دانایی فر و اسلامی، ۱۳۸۹). هدف نظریه پردازی زمینه بنیان، تولید نظریه است نه توصیف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. این مرحله، مرحله اصلی نظریه پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چهارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. این مرحله تحت تأثیر تفکر و دیدگاه محقق است.

۳-۴- رویایی و پایایی داده‌ها

روایی پاسخ به این سوال است که آیا چیزی که پژوهشگر در حال مشاهده و بررسی آن است، همان چیزی است که او در حال سنجیدن و اندازه‌گیری آن است؟ در این پژوهش برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش را برای مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آنها مطالعه و دیدگاه‌های آنان اعمال شده است. پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، مطالعه فرآیند پژوهش است. یافته‌ها زمانی پایایی دارند که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم بکار گرفته توسط محقق در طول مصاحبه را با روشی و وضوح پیگیری کند و سازگاری مطالعه را نشان دهد. بنابراین محقق پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود بررسی و نشان می‌دهد.

۵- نتایج پژوهش

نمودار ۲ مدل پارادایمی بعد اقتصادی کیفیت زندگی را نشان می‌دهد. این مدل ساز و کارهایی را بیان می‌کند که از طریق آن جامعه هدف نیازمندی‌های خود را تشخیص داده و با توجه به مؤلفه‌های بدست آمده در صدد کسب موفقیت و پیشرفت برمی‌آید.



نمودار ۲- مدل پارادایمی بررسی وضعیت اقتصادی کیفیت زندگی

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

۱-۵- شرایط علی

فقدان برنامه ریزی برای شرایط اقتصادی

فیلیپس^۱ (۲۰۱۵) معتقد است که کیفیت زندگی را می توان با توجه به میزان درآمد سنجید. از دیدگاه وی گرچه میزان درآمد بالا تضمین کننده کیفیت بالای زندگی نیست، ولی بالابودن درآمد تأثیر اساسی بر کیفیت زندگی خواهد داشت. از دیدگاه یکی از مصاحبه شوندگان، نبود برنامه ریزی اقتصادی موجب می گردد درآمد به نسبت نامتناسبی بین هزینه ها تسهیم شود که خود باعث عدم تأمین رفاه اقتصادی در سطح مطلوب می شود. لذا از دیدگاه وی نحوه مصرف درآمد، در مقایسه با میزان درآمد، اهمیت بیشتری دارد. از دیدگاه یکی دیگر از مصاحبه شوندگان، در شرایط عادی و صرف توجه به درآمد، دو خانواده با درآمد یکسان، کیفیت زندگی اقتصادی یکسانی ندارند؛ که این امر حاکی از آن است که اولویت ها و برنامه ریزی اقتصادی این دو خانوار متفاوت است.

نبود زیرساخت ها و امکانات لازم جهت استفاده

گرچه بعد اقتصادی کیفیت زندگی تأثیر زیادی از وضعیت مالی شخص می پذیرد، ولی صاحب نظران معتقدند که وجود امکانات متناسب با وضعیت مالی، عامل مهمی در کیفیت زندگی است. نبود امکانات و تجهیزات متناسب با سطح درآمد موجب می گردد که تأثیر بهبود درآمد در کیفیت زندگی پنهان شود. در همین راستا صاحب نظری ۴۸ ساله که به اذعان خویش اوضاع مالی راضی کننده ای دارد، مایل است ماهی یک بار به سرزمین موج های آبی برود؛ ولی به دلیل دوری سرزمین موج های آبی از محل سکونت معمولاً سالی یک بار مراجعه می کند. به نظر ایشان وضعیت مالی به تنهایی نمی تواند تعیین کننده کیفیت زندگی باشد، بلکه باید زیرساخت ها و امکانات مورد نیاز در دسترس باشد تا افراد بتوانند از امکانات مدنظرشان استفاده نمایند.

تغییرات سریع اقتصادی و تحت تأثیر قرار دادن زندگی

پایداری به معنای بهره برداری از یک منبع است در حالی که آن منبع در طول زمان تحلیل نرود یا آسیب نبیند (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۶). تورم و تغییرات سریع شرایط اقتصادی موجب می گردد که ارزش پول در دسترس افراد کاهش یابد. افراد در کشورها با تورم فزاینده، در مقایسه با افراد در سایر کشورها با نرخ تورم پایین تر، شرایط اقتصادی نامساعدتری را تجربه می کنند. در این رابطه یکی از مصاحبه کنندگان بیان می کند که طی دو سال گذشته درآمد خود را پس انداز نموده و به دنبال خرید یک واحد مسکونی بوده است؛ در حالی تغییرات سریع قیمت مسکن باعث شد نتواند به هدف خود برسد.

۵-۲- مقوله محوری

بهبود کیفیت زندگی

^۱ Phillips

بهبود کیفیت زندگی طیف وسیعی از شاخص‌ها از تغذیه، پوشاک و آموزش تا سطح بهداشت، محیط اجتماعی و مادی را در بر می‌گیرد. یکی از پایه‌های کیفیت زندگی، پیشرفت مادی در سطح زندگی است. در تعریف کیفیت زندگی اقتصاددانان بیشتر مایل به استفاده از شاخص‌های اقتصادی مثل درآمد و قیمت مسکن هستند. تعریف کیفیت زندگی تحت تأثیر محیط پیرامون نیز قرار دارد؛ برای مثال، در نیوزلند ابعاد جمعیت‌شناسی، بهداشت، امنیت، مسکن، ارتباطات اجتماعی، حقوق سیاسی و شهروندی دارای اهمیت است؛ در حالی که در شهر وینپیگ کانادا رفاه فردی، اقتصاد شهری، محیط‌زیست شهری، دارایی‌های اجتماع و رهبری اجتماع، شاخص‌های بااهمیت کیفیت زندگی تلقی می‌شوند.

۳-۵- راهبردها

ویژگی‌ها، توانایی‌ها و احساسات فردی

ویژگی‌های فردی همچون میزان درآمد و تحصیلات هر فرد، استقلال تصمیم‌گیری آنان را افزایش می‌دهد. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است که تأثیر تفکر افراد در مورد ما، زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این موضوع نگران‌کننده است. همچنین شخصی دیگر بیان می‌کند دخالت دیگران در زندگی، کیفیت آن را به طور قابل توجهی از بین می‌برد که این موضوع نیز خود تحت تأثیر ویژگی‌های فردی اشخاص است.

شرایط محیطی

عوامل محیطی متعددی کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به دلیل تعامل انسان با محیط، شاخص‌های محیطی کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از جمله شاخص‌های محیطی می‌توان به میزان آلودگی صوتی، میزان آلودگی هوا، میزان آلودگی بصری و کیفیت آب مصرفی اشاره نمود. شاخص‌های محیطی چنان تعاملی را برقرار می‌کنند که پایین بودن کیفیت زندگی در یک مقوله محیطی، اثر وجود سایر امکانات محیطی را خنثی می‌کند. به عنوان مثال در صورت نبود آلودگی هوا، صوتی و بصری، بی‌کیفیت بودن آب مصرفی کیفیت زندگی در محیط موردنظر را به مخاطره می‌اندازد.

ساختار تقسیم منابع جامعه

تقسیم عادلانه منابع به افراد جامعه موجب بهبود کیفیت زندگی افراد ساکن در جامعه می‌گردد. از دیدگاه میگدال^۱ (۲۰۰۱) دولت و جامعه دو هویت مجزا نیستند و ارتباط میان آن‌ها بر اساس سلطه یکی بر دیگری تعریف نمی‌شود؛ بلکه هر دو بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و فقط ضعف یکی نسبت به دیگری مشخص‌کننده نوع رابطه است. از نظر وی دولت نیرومند، دولتی است که توان بالایی بر رسیدن به اهداف خود از جمله نفوذ در جامعه، تنظیم روابط اجتماعی، بهره‌برداری از منابع و تخصیص یا استفاده از منابع به شیوه مشخص دارد. در مقابل دولت ضعیف، دولتی است که در ایفای نقش خودسالار، توانایی سازمانی و نهادینه کردن آن ضعیف است.

^۱ Migdal

تخصیص صحیح و عادلانه منابع بین افراد جامعه موجب ایجاد حس عدالت اجتماعی شده و منجر به بالارفتن کیفیت زندگی می‌شود.

۴-۵- پیامدها

نبود شفافیت و امنیت آتی

امنیت اقتصادی از طریق درجه آسیب‌پذیری یا مقاومت‌پذیری افراد در مواجهه با ریسک‌های اقتصادی و مکانیزم‌های پشتیبانی از افراد در زمان‌های نامطلوب به منظور ایجاد یک شبکه ایمن برای افراد مشخص می‌شود. مکانیزم‌های پشتیبانی می‌تواند شامل افراد (اعضای خانواده و دوستان) و یا سیستم‌های اجتماعی (بیمه تأمین اجتماعی) باشد. نبود پشتیبانی، امنیت آتی را با مخاطره مواجه می‌کند؛ به طوری که می‌توان گفت اصلی‌ترین مشکلاتی که باعث می‌شود جوانان نسبت به آینده نگران باشند، نبود شفافیت از وضعیت آتی و امنیت اجتماعی است. در همین رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند که آینده‌فرزندانش از لحاظ شغلی، ازدواج و رسیدن به سطح ایده‌آل زندگی مبهم است. از دیدگاه شخص مصاحبه‌شونده ریشه اساسی این موضوع به بحث اشتغال و درآمدزایی قشر جوان برمی‌گردد. وی بیان می‌کند که اکثر جوانان نه تنها شغلی ندارند، بلکه امیدی به یافتن شغل در آینده نیز ندارند. بنابراین از دیدگاه وی، ابهام در امنیت آتی در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نبود احساس عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی زمانی در ذهن افراد شکل می‌گیرد که کلیه افراد اجتماع چنین ذهنیتی داشته باشند که امکانات در دسترس همه برابر است. بی‌اعتمادی و ناعدالتی اجتماعی باعث می‌گردد که فرد اعتماد به نفس خود را از دست داده و در نهایت، این بی‌اعتمادی فردی به بی‌اعتمادی در سطح ملی تبدیل می‌شود. افزایش بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمینه‌ساز از بین بردن احساس عدالت اجتماعی است و موجب سلب اعتماد افراد نسبت به همدیگر و مجموعه آن‌ها نسبت به جامعه می‌گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارد که نزول سطح عدالت اجتماعی ذهنی و معیارهای اخلاقی در این زمینه موجب از بین رفتن اتحاد و پیوستگی ملی می‌شود. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند که گرچه بحث عدالت اجتماعی شاخه‌های متعددی دارد ولی اگر دولت در شاغل کردن فرزندانمان تبعیض قائل نشود، به نظر می‌رسد عدالت اجتماعی دولت تا حد قابل قبولی برقرار شده است.

۵-۵- بستر حاکم

خصوصیات فرهنگی جامعه

فرهنگ جامعه سطح نیازهای افراد جامعه و پاسخ‌خواهی آن‌ها را نشان می‌دهد و ارتقای سطح فرهنگ اجتماعی شهروندان موجب بهبود قوانین و مقررات فرهنگی و اجتماعی، ارائه آموزش‌های لازم به مردم برای آگاهی از حقوق اجتماعی خود و دیگران و تعیین معیارهایی برای رفتار صحیح افراد در زندگی است. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند که کیفیت زندگی تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی جامعه قرار دارد. از دیدگاه وی فرهنگ اجتماعی را می‌توان در بررسی افراد یک منطقه نیز مورد بررسی قرار داد و ویژگی‌های این افراد می‌تواند نمایان‌گر ویژگی‌های فرهنگی جامعه در آن منطقه دانست. از دیدگاه وی افرادی که در بالای شهر زندگی می‌کنند به مراتب زندگی باکیفیت‌تری نسبت به افرادی که در مرکز شهر و یا پایین شهر زندگی می‌کنند، دارند و در چند مصاحبه بعدی این موضوع نیز تأیید می‌گردد.

مادی‌گرایی

افراد به طور ذاتی تمایل به بهبود رفاه و آسایش زندگی دارند و در برنامه‌ریزی شغلی خود هدف مذکور را به عنوان اصلی‌ترین هدف دنبال می‌کنند. طبق مفهوم مطلوبیت در اقتصاد، افراد از میان امکانات و گزینه‌های مختلفی که در برابرشان وجود دارند، باید آن امکانی را برگزینند که بیشترین مطلوبیت و لذت را فراهم نماید. در این میان یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند زندگی کنونی ایشان به گونه‌ای است که اولویت اصلی آن پول و مادیات است و بدون پول نمی‌تواند زندگی را پیش ببرد. ایشان بیان می‌کند که گرچه بسیاری از مشکلات صرفاً با پول حل نمی‌گردند ولی در صورت نبود پول اصلی‌ترین مشکلات برای زندگی فرد پیش می‌آید.

مذهب و شیوه زندگی

بینش، نگرش و تفکر انسان از هستی و انسان، نیازهای اساسی و ثابت انسانی را مشخص می‌سازد. خداوند در آیات قرآنی به مسئله بینش‌ها و نگرش‌ها بسیار اهمیت می‌دهد؛ چرا که فلسفه هر انسانی از جهان و انسان، سبک زندگی او را مشخص می‌کند. کسی که برایش دنیا اصالت دارد، همه‌ی سعادت و نیکی را در امور مادی و دنیوی می‌داند و می‌خواهد به هر شکلی شده به این نیازها پاسخ دهد تا خوشبختی را به دست آورد. چنانکه برخی افراد همه اصالت را به آخرت می‌بخشند و اصولاً نگاهی به دنیا حتی به عنوان مقدمه هم ندارند. این افراد تنها به نیازهای روحی، معنوی و اخروی خود توجه می‌کنند. عده‌ای دیگر هم هر چند که آخرت را اصیل و معنویت را برتر می‌دانند، ولی دنیا را تنها ابزار و وسیله‌ی رسیدن به سعادت اخروی می‌دانند و به مادیات به عنوان ابزارهای لازم می‌نگرند که بدون آن نمی‌توانند آخرتی داشته باشند؛ چرا که می‌بایست در آخرت کشته‌های کشتزار دنیای خود را درو کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند که پاسخگویی اخروی اولویت زندگی اوست. وی کیفیت زندگی مطلوب را در انجام واجبات مذهبی می‌داند و معتقد است هر کاری که انجام دهد در آخرت باید پاسخگو

باشد. این مصاحبه شونده بیان می کند که این موضوع بر زندگی خانوادگی وی و به ویژه بر سطح تفریحات خانواده تأثیر گذاشته است.

ثبات در شرایط جامعه

ثبات و امنیت در جامعه به معنای مشروعیت جامعه است. زمانی که در شرایط رفاهی و اقتصادی جامعه ثبات به وجود آید، دیدگاه افراد نسبت به کیفیت زندگی مساعدتر می گردد. در شرایط ثبات و امنیت، افراد جامعه به دور از هیجانات به دنبال ایجاد رفاه در راستای ارتقای کیفیت زندگی برای خانوار هستند. شاخص‌هایی همچون افزایش نرخ بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و سایر نقصان‌های اقتصادی، بر کاهش کیفیت زندگی تأثیر گذار بوده و منجر به کاهش کیفیت زندگی میگردند. در مقابل، عواملی همچون ثبات در ارزش پول ملی، بالا رفتن سطح اشتغال و کاهش نرخ بیکاری موجب افزایش نشاط افراد جامعه و در نهایت بهبود کیفیت زندگی آنان می شود.

عدم تغییر در سیاست‌های کاری سازمان‌های فعال در جامعه

تغییر در سیاست‌های سازمان‌های فعال در جامعه موجب تغییر در کیفیت زندگی افراد آن جامعه می گردد. تغییراتی همچون تولید بی‌رویه و ایجاد مخاطرات زیست‌محیطی، افزایش ساعات کاری سازمان‌ها بدون در نظر گرفتن رفاه پرسنل، عدم افزایش مزایای پرسنل متناسب با سطح تورم جامعه موجب می گردد تا سطح کیفیت زندگی افراد فعال در جامعه کاهش یابد.

۶-۵- عوامل مداخله‌گر

سلامت جسمانی

در بررسی سلامت جسمانی و ارتباط آن با کیفیت زندگی، می توان گفت که افراد بیمار در تمامی شاخص‌های کیفیت زندگی وضعیت بدتری نسبت به افراد سالم دارند. بیماری باعث افزایش وابستگی می شود و این وابستگی فرد عاملی مهم در کاهش سطح کیفیت زندگی است. همچنین با توجه به اینکه با افزایش سن سطح توانایی افراد کاسته می شود، لذا می توان گفت که افزایش سن کاهنده سطح کیفیت زندگی است. همچنین با افزایش سن سطح انتظارات و دیدگاه‌های افراد متغیر و کاهنده خواهد بود. در یکی از مصاحبه‌ها شخص با ۳۵ سال سن اعتقاد به مسافرت‌های برون مرزی داشته و قسمتی از کیفیت زندگی را تحت تأثیر مسافرت‌های خارجی می دانست؛ در حالی که در مصاحبه بعدی با شخصی ۶۵ ساله، این موضوع، موضوعی حاشیه‌ای قلمداد شد.

جنسیت

در زمینه کیفیت زندگی زنان و مردان و تفاوت‌های جنسیتی، نظریه خاصی وجود ندارد؛ اما ذهنیت افراد فعال در جامعه این است که در ایران به دلیل توجه کمتر به زنان، اشتغال بیشتر مردان در مقایسه با زنان، حضور بیشتر مردان در فضاهای شهری و عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های جامعه، کیفیت زندگی مردان بیش از زنان

است. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان زن بیان می‌کند که در یک شرکت خصوصی، حقوقش از یک همکار مرد با رده شغلی برابر و حتی با سطح تحصیلات پایین‌تر، کمتر است که این موضوع کیفیت شغل و زندگی وی را تحت تأثیر قرار داده است.

سبک زندگی

سبک زندگی از دید افراد مورد بررسی بر کیفیت زندگی مؤثر است. به عنوان مثال اشخاص ساده‌زیست با مبالغ پایین درآمدی به راحتی یک زندگی متعادل از دیدگاه خودشان دارند؛ در حالی که افراد ثروتمند تعریف دیگری از زندگی متعادل دارند و ممکن است نتوانند با درآمد کم زندگی خود را در شرایط مناسبی قرار دهند. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شونده‌های خانم می‌گوید با توجه به اینکه تجمّل‌گرا نیست، لذا به دنبال خرید لباس گران‌قیمت و لوکس برای مراسمات مختلف نبوده و این باعث شده است که هزینه خرید لباس برای مهمانی‌ها و مراسمات را در سطح پایینی نگه دارد. همچنین یکی دیگر از مصاحبه‌شونده‌های خانم بیان می‌کند که عمده مشکلات سبک زندگی به چشم و هم‌چشمی برمی‌گردد و اگر انسان‌ها این موضوع را کنار بگذارند و قانع باشند، زندگی بهتری خواهند داشت.

شغل و محیط کاری

اشتغال صرفاً از بعد ایجاد درآمد بر کیفیت زندگی مؤثر نیست؛ بلکه اشتغال به عنوان "یک فعالیت سازنده" می‌تواند در ایجاد هویت برای افراد نیز تأثیر داشته و از این کانال نیز بر کیفیت زندگی افراد تأثیرگذار باشد. همچنین مفهوم شغل با مفهوم محیط کاری گره خورده است؛ به طوری که محیط کاری باید مورد علاقه پرسنل فعال در آن باشد. بهره‌وری منابع انسانی که از ضرورت‌های رشد و توسعه هر جامعه است، صرفاً از راه افزایش دستمزد و امکانات رفاهی به دست نمی‌آید؛ بلکه بهره‌ور کردن انسان‌ها، مستلزم افزایش کیفیت زندگی کاری آن‌هاست که برقراری ارتباط متقابل بین این دو پدیده به باورهای مشترک و فرهنگ سازمانی مساعد نیاز دارد. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند که گرچه میزان درآمد وی خارج از محیط دانشگاه، خیلی بیشتر از دانشگاه است، اما با توجه به محیط کاری دانشگاه و علاقه شخصی خود، صرفاً کار دانشگاهی خود را دنبال می‌کند. همچنین یکی دیگر از افراد مصاحبه‌شونده بیان می‌کند که گرچه مزایای بالای شغل، موجب ایجاد رفاه شغلی وی گردیده است، ولی به دلیل محیط شلوغ کاری و مراجعه ارباب رجوع از شغلش راضی نبوده و به دنبال شغلی با محیطی آرام است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی بعد اقتصادی کیفیت زندگی به روش گراند تئوری پرداخته است. در این روش، پژوهشگر پژوهش را با نظریه‌ای از قبل شروع نمی‌کند؛ بلکه پژوهش را در عرصه واقعیت آغاز کرده و نظریه را از درون داده‌ها و اطلاعاتی که گردآوری می‌کند، استخراج می‌کند. در ابتدای مصاحبه، پس از گفت و گوی اولیه و مناسب

شدن شرایط مصاحبه و ایجاد رابطه صمیمی بین محقق و مصاحبه شونده، بحث اصلی شروع می شود. کار پژوهش ابتدا از مصاحبه با افراد صاحب نظر شروع و این مصاحبه ها با رویکرد گلوله برفی تا مرحله اشباع ادامه می یابند. در این تحقیق مقوله های متعددی بررسی گردید. در نهایت با تطبیق، مفهوم سازی و با توجه به رویکردهای کدگذاری باز، بسته و محوری، مقوله محوری برای شروع پژوهش، فقدان برنامه ریزی برای شرایط اقتصادی در نظر گرفته شد. از دیدگاه مصاحبه شوندگان، افراد فعال در جامعه از فقدان برنامه ریزی برای شرایط اقتصادی رنج می برند؛ به نحوی که وضعیت برنامه ریزی اقتصادی از میزان درآمد، با اهمیت تر تلقی می گردد. از دیدگاه فردی، کیفیت زندگی اقتصادی افراد، متأثر از برنامه ریزی برای شرایط اقتصادی بوده و حتی وجود درآمد بالا در شرایط نبود برنامه ریزی اقتصادی صحیح، نمی تواند کیفیت اقتصادی زندگی را افزایش دهد. دومین مقوله، مقوله نبود زیرساخت ها و امکانات لازم جهت استفاده است. اکثر مصاحبه شوندگان بر این عقیده هستند که گرچه بهبود شرایط اقتصادی موجب بهبود کیفیت زندگی می گردد، ولی نبود زیرساخت ها و امکانات لازم جهت استفاده موجب می گردد که با وجود شرایط اقتصادی مطلوب، شخص ذینفع نتواند از امکانات دلخواه استفاده نماید و کیفیت زندگی بدین گونه کاهش می یابد. سومین مقوله بحث تغییر در شرایط اقتصادی است. برخی از مصاحبه شوندگان بیان می کنند که با وجود درآمد بالا، تغییرات شرایط اقتصادی منجر به از دست رفتن ارزش منصفانه وجوه پس انداز شده افراد گردیده که این امر خود بعد اقتصادی کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می دهد.

به طور کلی مقوله های محوری که در این پژوهش به دست آمد شامل فقدان برنامه ریزی برای شرایط اقتصادی، نبود زیرساخت ها و امکانات لازم جهت استفاده، تغییرات سریع اقتصادی و تحت تأثیر قرار دادن زندگی، خصوصیات فرهنگی جامعه، مادی گرایی، مذهب و شیوه زندگی، ویژگی های فردی، سلامت جسمانی، جنسیت، سبک زندگی، شغل و محیط کاری، نبود شفافیت و امنیت آتی و نبود احساس عدالت اجتماعی است. مصاحبه شوندگان با اکثریت مطلق اعتقاد دارند که عدم وجود یکی از شرایط مذکور، وجود سایر شرایط را متأثر می سازد. به بیان ساده تر فراهم بودن کلیه شرایط مطلوب کیفیت زندگی، به استثنای یکی از آن ها همچون سلامت جسمانی، کیفیت زندگی را به صورت کامل تحت تأثیر قرار می دهد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش با بررسی کلیه اعضای نمونه و مفهوم سازی مطالب جمع آوری شده در مقوله ها نشان می دهد که شاخص های فقدان برنامه ریزی برای شرایط اقتصادی، نبود زیرساخت ها و امکانات لازم جهت استفاده و تغییرات سریع اقتصادی و تحت تأثیر قرار دادن زندگی به عنوان شرایط علی، سلامت جسمانی، جنسیت، سبک زندگی و شغل و محیط کاری فرد به عنوان عوامل مداخله گر، خصوصیات فرهنگی جامعه، مادی گرایی، مذهب و شیوه زندگی، ثبات در شرایط جامعه و عدم تغییر در سیاست های کاری سازمان های فعال در جامعه به عنوان بستر حاکم، نبود شفافیت و امنیت آتی و نبود احساس عدالت اجتماعی به عنوان پیامدها و ویژگی ها و توانایی ها و احساسات فردی، شرایط محیطی و ساختار تقسیم منابع جامعه به عنوان راهبردها، در مدل پارادیمی پژوهش، بعد اقتصادی کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می دهند.

فهرست منابع

- ۱) ابراهیمی، مهرزاد (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر بازار سهام ایران با استفاده از الگوریتم‌های داده کاوی، اقتصاد مالی، سال ۱۳، شماره ۴۹، صص ۲۸۳-۳۰۹.
- ۲) استراوس، آذ سلم و کوربین، جولیت (۱۹۹۸)، "اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی- رویه‌ها و شیوه‌ها"، ترجمه محمدی، بیوک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰، چاپ سوم.
- ۳) براتی، ناصرو یزدان پناه شاه آبادی، محمدرضا (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری (نمونه موردی: شهر جدید پردیس)، جامعه پژوهی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۲، شماره ۱، صص ۲۵-۴۹.
- ۴) حریری، نجلا (۱۳۸۵)، "اصول و روش‌های پژوهش کیفی"، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات.
- ۵) حسینی‌امین، سیده‌نرگس؛ سیدمیرزایی، سیدمحمد و ادریسی، افسانه (۱۳۹۵)، مطالعه کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۳۳-۷۴.
- ۶) خادمی، امیرحسین و جوکار سرهنگی، عیسی (۱۳۹۲)، ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر آمل)، جغرافیا و محیط طبیعی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۰۰-۱۱۷.
- ۷) دانایی‌فرد، حسن و اسلامی، آذر (۱۳۸۹)، کاربرد نظریه داده بنیاد در عمل: ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمان، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، چاپ اول، ص ۱۱۲.
- ۸) رضایی، محمدرضا؛ موذن، سهراب و نفر، نرگس (۱۳۹۳)، تحلیل رضایت‌مندی از شاخص‌های کیفیت محیط در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید پرند)، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۱، صص ۳۱-۴۷.
- ۹) شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۵)، مطالعه سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی دانشجویان (نمونه موردی: مراکز آموزش عالی شهر قاین)، مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۲.
- ۱۰) شریف‌قاسیانی، زهرا؛ عباداللهی چندانق، حمید؛ فلاحی خشت مسجدی، مهناز و بقایی، مژگان (۱۳۹۴)، کیفیت زندگی و عوامل مرتبط با آن در خانواده‌های دارای بیمار روانی، سلامت و مراقبت، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۷۷.
- ۱۱) ضرابی، اصغر؛ رزم‌پوری، علی‌اکبر؛ علیزاده‌اصل، جبار و نوری، محمد (۱۳۹۳)، سنجش ارزیابی شاخص کیفیت زندگی در شهرهای متوسط اندام (نمونه مورد مطالعه: شهر یاسوج)، برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال ۴، شماره ۳، صص ۱۴-۳۶.
- ۱۲) فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه گرلند و تئوری (GTM)، تهران: نشر آگاه.

۱۳) فلاحتی، علی؛ فتاحی، شهرام؛ حیدری دیزگرانی، علی و شکری، نعیم (۱۳۹۶)، بررسی پایداری مالی و شوک های مالی گذرا در اقتصاد ایران، اقتصاد مالی، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۲۳-۱۵۴.

۱۴) منجم زاده، سیدسعید؛ نادری، ابوالقاسم؛ گرابی نژاد، غلامرضا و پوررستمی، ناهید (۱۳۹۸)، بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر توسعه مالی دانشگاه (مورد مطالعه: دانشگاه تهران)، اقتصاد مالی، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۱۷۵-۱۹۸.

- 15) Andrews, F.W. & Withy, S.B. (1998). *Social Indicators of Well-being: Americans Perception of Life Quality*. New York: Plenum Press.
- 16) Bond, J. & Corner, L. (2014). *Quality of Life and Older People*. London: Open University Press.
- 17) Campbell, A., Converse, P.E., & Rogers, W.J. (1976). *The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations and Satisfaction*. New York: Russell Sage Foundation.
- 18) Das, D. (2015) "Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati", *Social Indicators Research*, 88.
- 19) Eziyi, O.I. & Amole, D. (2018). Subjective Life Satisfaction in Public Housing in Urban Areas of Ogun State, Nigeria. *The International Journal of Urban Policy and Planning*, 35, 51-61.
- 20) Fadlalmola, H.A., Elkareem, E.M.A. (2020). Impact of an Educational Program on Knowledge and Quality of Life among Hemodialysis Patients in Khartoum State. *International Journal of Africa Nursing Sciences*, 1-4.
- 21) Glatzer, N. A. (2016). Quality of Life and Economic Evaluations. *Working paper*, 171-212.
- 22) Glenn, N. D. & C.N. Weaver (2000). A Note on Family Situation and Global Happiness. *Social Forces*, 57, 960-967.
- 23) Hadavi, S., & Roof, R. (1999). Neighborhood Satisfaction and Use Patterns in Urban Public Outdoor Spaces: Multidimensionality and Two-Way Relationships. *Urban Forestry & Urban Greening*, 19, 110-122.
- 24) Lee, Y.J. (2016). Subjective Quality of Life Measurement in Taipei. *Building and Environmental*, 43(7), 1205-1215.
- 25) Migdal, J. (2001). *State in Society: Studying How States and Societies Transform and Constitute one Another*. Cambridge Studies in Comparative Politics. Cambridge: Cambridge University Press.
- 26) Olajuyigbe, A.E., Osakpolor, S., Adegboyega, S.A. (2018). System Approach for Assessment of Quality of Life Using Geographical Information Poverty Alleviation Decision-Making. *International Journal of Sustainable Land Use and Urban Planning*, 1(1), 1-20.
- 27) Phillips, D. (2015). *Quality of Life: Concept, Policy and Practice*, Routledge .
- 28) Radermacher, W. (2015). *Quality of life Facts and Views*. Eurostat, Statistical books.
- 29) Schalock, R. L. (2014). The Concept of Quality of Life: What We Know and Do not Know. *Journal of Intellectual Disability Research*, 48(3), 203-216.
- 30) Schuessler, K.F., Fisher, G.A. (2004). Quality of Life Research and Sociology. *Annual Review of Sociology*, 11, 129-149.

Explaining the Comprehensive Model of Economic Dimension of Quality of Life Using Grounded Theory

Fatemeh Ghaemi¹
Mohammad Hassani²
M. Hamed Khan Mohammadi³

Received: 25/ December /2021 Accepted: 27/ February /2021

Abstract

The quality of life is a multi-dimensional concept. The economic dimension of quality of life is influenced by several factors, the purpose of this study is to explain these factors. The research method is Grounded Theory and the sample was selected based on the snowball approach in four specialized areas. The results of the paradigm model of the research show that the indicators of lack of planning for economic conditions, lack of infrastructure and facilities for use and rapid economic change and affecting life as a causal conditions, physical health, gender, lifestyle, occupation and work environment as intervening factors, cultural characteristics of society, materialism, religion and lifestyle, stability in society and no change in the work policies of active organizations in society as a context, the lack of transparency and future security and the lack of a sense of social justice as consequences and characteristics and abilities and individual feelings, environmental conditions and the structure of community resource distribution as Action Strategies, are affected the economic dimension of quality of life.

Keywords: Quality of Life, Economic Approach, Grounded Theory.

JEL Classification: D60, D63.

¹ PhD in Accounting, Islamic Azad University, Damavand Branch, Tehran, Iran.
f_ghaemy@yahoo.com

² Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.
(corresponding author) m_hassani@iau-tmb.ac.ir

³ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Damavand Branch, Tehran, Iran.
dr.khanmohammadi@yahoo.com